



پیشگیری از فساد سازمانی با تاکید بر دولت الکترونیک

عباس خسروانی^۱

چکیده

زمینه و هدف: این مقاله تاثیر تحقق دولت الکترونیک را بر پیشگیری از فساد سازمانی بررسی می‌کند. فرضیه مقاله آن است که تحقق دولت الکترونیک در کشور به کاهش نرخ فساد سازمانی و پیشگیری موثر از وقوع فساد در سازمان‌ها منجر می‌شود. فساد اداری از پدیده‌هایی است که نمودهای آن هم در بخش دولتی و هم در بخش خصوصی قابل مشاهده است. بنابر تحقیقات بین‌المللی انجام شده، نظام اداری از فساد رنج می‌برد. پیامدها و نتایج مخرب فساد اداری، گسترش و شیوع این معضل در جهان به خصوص کشورهای در حال توسعه و هزینه سنگین مبارزه با آن از جمله مهم‌ترین عواملی است که باعث شده نهادها و سازمان‌های بین‌المللی و خصوصی و نظایر آن توجه روزافزونی به این مشکل داشته و تحقیقات وسیعی را انجام داده و بدهند.

روش‌شناسی: در این مقاله از روش اسنادی برای تبیین راهکار دولت الکترونیک و نقش آن در پیشگیری از فساد استفاده شده است. به این منظور ادبیات موجود در این خصوص در بخش‌های فساد، پیشگیری از فساد و دولت الکترونیک ارائه و راهکارهای پیشگیری از فساد مبتنی بر توسعه خدمات دولت الکترونیک تبیین شد.

یافته‌ها و نتایج: دولت الکترونیک یکی از مهمترین عوامل توسعه و پیشرفت کشورها در ارائه و استفاده از خدمات الکترونیکی است و منافع آن نه تنها نصیب خود دولت، بلکه شامل حال شهروندان، بخش خصوصی و کارکنان دولت نیز می‌شود. این مقاله نشان می‌دهد که دولت الکترونیک یک سیستم اقتصادی-اجتماعی بوده و حلقه زنجیره‌وار میان دولت، شهروندان و کسب و کار محسوب می‌شود و معتقد است که تأثیر قانون آزادی اطلاعات و حق دسترسی، بر پیشگیری از فساد اداری قابل توجه خواهد بود و توسعه دولت الکترونیک در کشورها موجب افزایش شفافیت و کاهش فساد در فعالیت‌ها و اقدامات دولت می‌شود.

کلیدواژه‌ها: فساد، فساد سازمانی، دولت الکترونیک، شفافیت، پیشگیری

□ استناد: خسروانی، عباس (بهار، ۱۳۹۷). پیشگیری از فساد سازمانی با تاکید بر دولت الکترونیک. فصلنامه رهیافت پیشگیری، ۱(۱)، ۹۹-۱۱۹.

مقدمه

فساد سازمانی یک پدیده جهانی است به طوری که همه کشورهای دنیا کم و بیش با آن مواجه هستند. آنچه کشورهای جهان را درخصوص فساد سازمانی از یکدیگر متمایز می‌کند سطح فساد، نحوه مواجهه با آن، کنترل فساد و ارتقاء سطح سلامت سازمانی است. براساس گزارش‌های سازمان شفافیت بین‌الملل^۱ کشورهای در حال توسعه به شدت با مسئله فساد سازمانی مواجه هستند و از آن رنج می‌برند. گسترش فساد در سازمان‌های دولتی و غیردولتی به کندی روند توسعه، بیماری‌های اقتصادی فلج‌کننده، رواج بی‌قانونی و شکسته شدن حرمت قانون و درنهایت تهدید امنیتی برای کلیت نظام سیاسی منجر خواهد شد. فساد پدیده‌ای پیچیده است که می‌تواند در عمق نهادها و ساختارهای سازمانی کشورها ریشه کند. البته پیامدهای آن با توجه به شرایط کشورها متفاوت است. به هر حال بیشتر کشورها در همه دوره‌های تاریخی به عنوان یک مسئله اجتماعی و اقتصادی با آن مواجه بوده‌اند. تجربه‌های به دست آمده از کشورهای گوناگون نشان می‌دهد فساد امری پیچیده، پنهان و متنوع است. از این رو، مبارزه با آن نیز باید پیوسته، طولانی و پیچیده باشد. به عبارتی، فساد مانند غده سرطانی است که اگر به اندام و پیکره جامعه راه یابد، اعضای آن را یکی پس از دیگری آلوده کرده و از کار می‌اندازد و چه بسا گسترش این غده، سراسر پیکره جامعه را به تباهی می‌کشد.

مطالعات مختلفی تأثیر منفی فساد بر رشد اقتصادی را نشان داده‌اند. مطالعات تجربی نیز نشان می‌دهند فساد، بنیان‌های مشروع بودن نظام سیاسی را به صورت مستقیم و با تأثیر بر کارایی حکومت تضعیف می‌کند و بر کیفیت حکومت، اعتماد، حمایت عمومی، رضایت و درنهایت ثبات بیشتر دموکراسی تأثیر می‌گذارد. فساد، تصمیم‌گیری‌ها و فرایندهای اقتصادی را تحریف می‌کند، تهدیدی برای اعتماد به حساب می‌آید و باور به مشروع بودن نظام سیاسی را به خطر می‌اندازد (گری و کافمن،^۲ ۱۹۹۸؛ مارو،^۳ ۱۹۹۸؛ موریس و کلنسر،^۴ ۲۰۱۰؛ اندرسون و یولیا،^۵ ۲۰۰۳ و راتستین و اک،^۶ ۲۰۰۹).

1. Transparency International
3. Mauro
5. Anderson & Yuliya

2. Gray & Kaufman
4. Morris & Klesner
6. Rothstein & Eek

فساد مسیر رشد اقتصادی را با موانع بسیار مواجه می‌سازد و بر توسعه اقتصادی اثر منفی دارد. این تأثیر بر اقتصادهای باز بیشتر از اقتصادهای بسته است. فساد اداری از طریق هدایت ناصواب استعدادها و منابع بالقوه و بالفعل انسانی به سمت فعالیت‌های نادرست برای دستیابی به درآمدهای سهل الوصول زمینه رکود در تمام ابعاد را فراهم می‌کند. بنابراین مقابله با فساد در عرصه اداری ضرورتی جدی و انکارناپذیر است و با توجه به گزارش شفافیت بین‌الملل بر تمام بخش‌های جامعه اثر می‌گذارد (زاهدی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۳۰). فساد اداری پیامدهای منفی فراوانی دارد که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- سبب اتلاف منابع و سرمایه‌ها می‌شود؛
 - مانع رشد رقابت مثبت و موجب خنثی‌شدن تلاش‌ها برای کاهش فقر و تبعیض اجتماعی می‌شود و بیشترین لطمه را به افراد فقیر و محروم جامعه می‌زند؛
 - از میزان اثربخشی و مشروعیت دولت بخصوص سیستم عدالت کیفری می‌کاهد، امنیت و ثبات جامعه را به خطر می‌اندازد و ارزش‌های دموکراسی و اخلاق جامعه را مخدوش می‌سازد؛
 - به افزایش هزینه معاملات منجر می‌شود و مانع توسعه پایدار است؛
 - سرمایه‌گذاری‌های انجام شده روی منابع انسانی را به هدر می‌دهد، فضائل اخلاقی را کمرنگ می‌سازد و در سازمان ارزش‌های منفی را به وجود می‌آورد؛
 - موجب تضعیف اعتقاد مردم به توانایی و اراده سیاسی دولت برای جلوگیری از زیاده‌طلبی‌ها و نیز باعث قطع امید مردم به آینده‌ای بهتر می‌شود (عباس‌زادگان، ۱۳۸۳، ص ۲۴).
- اگر سازمان به‌عنوان یک موجود زنده در نظر گرفته شود این موجود زنده همواره در معرض انواع آسیب‌ها و بیماری‌ها قرار دارد. حفظ سلامت این سازمان امری عقلانی است زیرا انجام کارکردهای سازمان به سلامت سازمان وابسته است و در غیر این صورت به ناکارآمدی آن منجر خواهد شد. یکی از نشانه‌های ناکارآمدی و بیماری سازمان، کج‌رفتاری‌ها و رفتارهای فسادآلود اداری است که باید به سرعت شناسائی و مورد درمان قرار گیرد، زیرا برخی از جامعه‌شناسان از فساد به‌عنوان سرطان سازمان یاد کرده‌اند. مطالعات صورت گرفته در این حوزه نشان می‌دهد که در بروز مفسد اداری عوامل متعددی دخیل هستند. در یک دسته‌بندی می‌توان این عوامل را به دو

دسته عوامل درونی و عوامل بیرونی تقسیم‌بندی کرد. آنچه در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته عوامل درون سازمانی موثر در بروز فساد سازمانی است. هر سازمانی که دچار فساد سازمانی توسط کارکنان خود می‌شود در وهله اول باید نسبت به شناخت و شناسایی عوامل درونی خود که دسترسی بهتر و آسان تری نسبت به آنها دارند اقدام کند و برای رفع موانع و مشکلات و زمینه‌های فساد گام‌های عملی بردارد. عوامل درونی سازمان در صورت ناکارآمدی و انجام کژکارکردها به ناکارآمدی کل سازمان و بروز ناهنجاری‌ها و انحرافات رفتاری در سازمان و حتی در بیرون از سازمان منجر خواهد شد. این در حالی است که عوامل درونی سازمان کمتر مورد توجه مدیران و صاحبان بنگاه‌ها و شرکت‌ها قرار می‌گیرند و بیشتر علل ناکارآمدی را در بیرون از سازمان جستجو می‌کنند. این مقاله به دنبال عوامل درونی سازمان در بروز فساد سازمانی است و تا زمانی که این عوامل به خوبی شناسایی نشوند و اقدامات لازم برای رفع معضلات و نارسائی‌های داخلی سازمان صورت نگیرد هزینه کردها برای رفع موانع بیرونی هدر دادن سرمایه خواهد بود. امروزه بروز مفاسد اقتصادی در سطح سازمان‌های دولتی یکی از معضلات اصلی کشور و از موانع جدی توسعه کشور است. این موضوع چند سالی است به مقوله‌ای آزاد دهنده برای افکار عمومی تبدیل شده و البته مبارزه با آن به یک مطالبه عمومی نیز مبدل شده است که باید این موضوع را به فال نیک گرفت و از این فرصت بوجود آمده برای برداشتن مانع بزرگ پیشرفت کشور اقدام کرد. مفاسد سازمانی نه تنها عوارض اقتصادی برای کشور به دنبال داشته بلکه عوارض اجتماعی آن را نیز باید در نظر گرفت. بی‌اعتمادی مردم به مسئولان و کاهش سرمایه‌های اجتماعی و تزریق روحیه ناامیدی از مهمترین عوارض اجتماعی مفاسد اقتصادی در بستر سازمان‌های دولتی است که باید هر چه زودتر و بی‌درنگ برای حل این مسئله چاره‌اندیشی کرد.

هم‌اکنون بسیاری از کشورها در سراسر جهان، به خوبی از مزایای دولت الکترونیک آگاه هستند و از ابزار دولت الکترونیک برای بهبود ارائه خدمات به شهروندان استفاده می‌کنند؛ براین اساس ارائه خدمات عمومی با کیفیت، راحتی دسترسی به خدمات عمومی، کاهش هزینه‌ها، کاهش شکاف دیجیتالی و مشارکت فعال شهروندان در سرمایه‌گذاری دولت از جمله مزایای دولت الکترونیک محسوب می‌شود. با توجه به رسوخ فساد در سیستم سازمانی کشور و مطالبات جدی

مردم و عوارض جبران ناپذیر و ویران گر فساد بر کلیت نظام کشور لازم است راهکارهایی عملی و موثر برای مبارزه با آن و کاهش زمینه‌های بروز آن اندیشیده شود. یکی از این راهکارها تحقق دولت الکترونیک است که می‌تواند از طریق سازوکار کنترلی و شفافیت، قدرت کنترل مردم و افکار عمومی از یک سو و سیستم‌های نظارتی را افزایش دهد و در نتیجه سازمان را در مسیر مبارزه با فساد یاری رساند. ایجاد محیطی شفاف و پاسخ‌گو و مبتنی بر اعتماد ضمن ایجاد شفافیت در اطلاعات و ارتباطات که با بکارگیری فناوری‌های جدید اطلاعات میسر می‌شود یک راهبرد بی‌نظیر در کاهش فساد اداری محسوب می‌شود (عباسی شاهکوه و همکاران، ۱۳۸۶).

مبانی نظری

بانک جهانی^۱، فساد را به مثابه بزرگترین مانع برای توسعه اقتصادی و اجتماعی قلمداد می‌کند. فساد با زیر پا گذاشتن تساوی حقوق افراد در برابر قانون و تضعیف شالوده نهادی که رشد اقتصادی وابسته به آن است، مانع توسعه می‌شود. فساد یک مشکل جدی است که بر تمام بخش‌های جامعه تأثیرگذار است (دیوید^۲، ۲۰۰۶). فساد سبب پایین آمدن کیفیت خدمات عمومی در بخش‌های عمومی نظیر بهداشت و آموزش می‌شود و از آن جهت که مانعی در برابر اقدامات توسعه‌ای دولت‌ها و کاهش آرایه خدمات می‌شود، مشروعیت دولت را نیز کاهش می‌دهد (سلیگسون^۳، ۲۰۰۶، ص ۱۵۶). امروزه بسیاری از ممالک دریافته‌اند که فساد و تخلف اداری یکی از مهمترین تهدیدها برای ثبات اقتصادی، توسعه و پیشرفت است.

آدام^۴ (۱۹۸۹، ص ۴۴۲) فساد اداری را انحراف از هنجارها، معیارها و اقدامات بوروکراسی مدرن می‌داند. بانک جهانی فساد اداری را به‌عنوان سوء استفاده از قدرت عمومی برای بهره‌گیری خصوصی و پیشنهاد دادن، دریافت، یا تقاضای هر چیز باارزش برای تأثیرگذاری بر روی رفتار یک کارمند دولتی در فرایند انجام یک کار یا قرارداد تعریف کرده است (پایگاه ضد فساد

۱. نام دیگر بانک بین‌المللی توسعه و ترمیم (IBRD)

2. David
4. Adam

3. Seligson

سازمانی، ۲۰۰۳).^۱ در تعریفی دیگر، فساد اداری، انجام دادن اعمال اداری توسط مأموران دولتی به شکل ناقص و غیرصادقانه دانسته شده است (کمیسیون مستقل ضد فساد، ۱۹۹۸، ص ۲۲).^۲ آمولدسن^۳ (۲۰۰۰، ص ۵)، هم فساد را سوء استفاده از کالاها و امکانات دولتی و مردمی توسط مأموران دولتی برای بهره‌گیری شخصی و انواع فساد را شامل رشوه، اختلاس، کلک‌های اقتصادی، باج‌گیری و امتیازدادن می‌داند.

فساد سازمانی از یک طرف، پدیده‌ای بسیار پیچیده است که عوامل متعددی در شکل‌گیری و گسترش آن نقش دارند و از طرف دیگر، پیامدهای زیان باری همچون انحطاط ارزش‌های اخلاقی، کاهش اعتماد مردم، رواج بی‌تفاوتی، تنبلی و بی‌کفایتی در جامعه، از بین رفتن سرمایه اجتماعی، ایجاد بی‌انگیزگی و بدبینی در اجتماع، کاهش رقابت‌پذیری و توسعه اقتصادی- انسانی، کاهش اثربخشی دولت‌ها در هدایت امور و ناکام ماندن تلاش‌های فقرزدایی را به همراه دارد. طبق تعریف بانک جهانی و سازمان شفافیت بین‌الملل نیز، فساد اداری عبارت است از استفاده از قدرت عمومی برای کسب منافع خصوصی اداری، تحت تأثیر منافع شخصی یا روابط و علایق خانوادگی. فساد اداری، سوء استفاده از اختیارات دولتی (قدرت عمومی) برای کسب منافع شخصی (خصوصی) است، که بر سر این تعریف، اجماع قابل توجهی وجود دارد. در واقع حد و چهارچوبی فرضی در نظر گرفته شده است که هر فعل یا ترک فعلی که خارج از این چهارچوب بوده و از آن عدول کند، فساد اداری تلقی خواهد شد. بدیهی است چنین تعریفی وقتی جامع است که قوانین و حدود آن کاملاً واضح و فراگیر باشد. فساد در جامعه نسبی است و با نظام ارزشی هر جامعه تعریف می‌شود. از نگاه نهاد بین‌المللی برنامه توسعه سازمان ملل عوامل مؤثر بر توسعه فساد شامل موارد زیر است:

- تمرکز قدرت در قوه مجریه و فقدان نظام موازنه و تعادل مؤثر (تفکیک قوای ناکارآمد)؛

- فقر شفافیت در زمینه تصمیمات اجرایی همراه با محدودیت دسترسی به اطلاعات؛

- نظام حقوقی دستکاری شده که اجازه بی‌حد و حصری را به مسئولان برای تصمیم‌گیری‌های

1. Anti-Corruption Online

2. Independent Commission against Corruption

3. Annuldsen

خودسرانه می‌دهد؛

- فقدان نظام پیش بینی و اعمال و
- نظام کنترل اجتماعی نرم و مدارای فراوان با فعالیت‌های اجتماعی مفسدانه (برنامه توسعه سازمان ملل، ۲۰۰۴).

براساس شواهد موجود و بررسی‌ها نرخ رشد فساد اداری در کشور در حال افزایش است (صادقی و دیگران، ۱۳۸۹). آمارهای سازمان بین‌المللی شفافیت در ده سال اخیر حاکی از کاهش چشمگیر رتبه ایران در زمینه شاخص ادراک فساد است به گونه‌ای که از رتبه ۷۹ در سال ۲۰۰۳ به رتبه ۱۶۸ در سال ۲۰۰۹ تنزل پیدا کرد. نظام اداری هر جامعه بازوی اجرایی نظام سیاسی آن جامعه است و عملکرد درست یا نادرست آن می‌تواند نظام سیاسی را تداوم بخشد یا از مشروعیت بیندازد. بنابراین توجه بنیادی به نظام اداری هر جامعه و آسیب شناسی دقیق آن (فساد اداری) می‌تواند کمک بزرگی به سیاست‌گذاران آن جامعه باشد که با تشخیص به موقع، بتوانند راه‌حل‌های لازم را بیندیشند.

مفهوم‌شناسی دولت الکترونیک: ریشه‌های شکل‌گیری مفهوم دولت الکترونیک را می‌توان در مباحث مربوط به جریان آزاد اطلاعات که به‌عنوان شاخصی برای سنجش آزادی‌های فردی در کشورهای جهان مطرح است دانست. نظریه جریان آزاد اطلاعات از دل یک کشمکش سیاسی بین دولت‌های آمریکا و روسیه بیرون آمد. آمریکائی‌ها معتقد به آزادی کامل اطلاعات در سطح جهانی به‌منظور حفظ تفاهم بین‌المللی و تحکیم صلح بودند و در مقابل شوروی معتقد بود که این دیدگاه اصل حاکمیت ملی را زیر سؤال می‌برد. البته دولت شوروی تنها نبود بلکه دولت فرانسه هم معتقد بود ضمن احترام به آزادی‌ها، بر محدودیت‌های آزادی هم باید توجه کرد. سرانجام با همه کشمکش‌ها اعلامیه جهانی حقوق بشر تصویب شد و در ماده ۱۹ آن بر جریان آزاد اطلاعات تأکید شد و کسب اطلاعات و انتشار آن را به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی، آزاد دانستند. نظریه جریان آزاد اطلاعات از همان ابتدای شکل‌گیری تا به امروز مخالفان و موافقانی داشته و دارد و کشمکش‌های نظری پیرامون آن همچنان باقی است. دولت‌ها به‌منظور مفید بودن، توانمند بودن

و کارآمدی خود در تمامی عرصه‌ها، از فناوری اطلاعات و ارتباطات مدد گرفته‌اند که امروز از آن با عنوان دولت الکترونیک نام می‌برند. دولت الکترونیک مفهومی جدید در ادبیات فناوری اطلاعات است. دولت الکترونیک مزایای مهمی برای شهروندان، مشاغل و دولت در سرتاسر جهان دارد و از قابلیت‌های فراوانی برخوردار است.

در زمینه دولت الکترونیک تعاریف مختلفی وجود دارد که به پاره‌ای از این تعاریف اشاره می‌شود: «به‌کارگیری و گسترش دولت الکترونیک بیشتر برای انجام تغییرات در فرآیندهای دولتی نظیر تمرکززدایی، بهبود کارایی و اثربخشی است. اصولاً تعریف واحدی درباره دولت الکترونیک وجود ندارد و این مسئله ناشی از ماهیت پویا و متغیر فناوری است. امروزه به استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات به‌منظور بهبود کارایی و اثربخشی، شفافیت اطلاعات و مقایسه‌پذیری مبادلات اطلاعاتی و پولی در درون دولت، بین دولت و سازمان‌های تابعه آن، بین دولت و شهروندان و بین دولت و بخش خصوصی، دولت الکترونیک اطلاق می‌شود» (صفری و همکاران، ۱۳۸۲).

دولت الکترونیکی را می‌توان به‌طور خلاصه چنین تعریف کرد، به‌کارگیری فاوا (فناوری اطلاعات و ارتباطات) در بخش‌های مختلف دولت به‌منظور افزایش بهره‌وری و ارتقا سطح خدمات‌رسانی و ارائه اطلاعات، شامل ارتباط الکترونیک دولت با شهروندان و بنگاه‌ها و برعکس، دولت با دولت (سازمان‌های دولتی با یکدیگر) و دولت با کارکنان. به عبارت دیگر، دولت الکترونیک یعنی استفاده از مزایای چشمگیر فناوری‌های اطلاعاتی در کاهش هزینه‌ها و افزایش دقت، سرعت و کیفیت انواع خدمات و ارتباطات مرتبط با تمامی بخش‌های حکومتی است. حالت مطلوب طرح‌های خدمات الکترونیک، به گونه‌ای است که شهروندان، سازمان‌ها و بنگاه‌ها را در انجام کلیه تراکنش‌ها و تبادلات سامانه‌های اطلاعاتی، به صورت یک پنجره (ورود به همه سامانه‌ها از یک درگاه) و یک‌باره (انجام کلیه درخواست‌ها در یک مرحله) یاری دهد. دولت الکترونیک شامل استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی برای تحویل خدمات دولتی به شهروندان و بنگاه‌ها است. این کار مستلزم تحویل خدمات دولتی به شهروندان از طریق فرآیندهای سازمانی جدید و فناوری‌های جدید است. دولت الکترونیک، فرصت و امکانی برای دولت‌ها است که در

آن با استفاده از فناوری‌های ارتباطی و الکترونیکی جدید، به مخاطبان خود تسهیلات لازم برای دسترسی مناسب به اطلاعات و خدمات، و ارائه فرصت‌های گسترده برای مشارکت در فرآیندها و نمادهای مردم سالار را می‌دهد. شبکه اداره عمومی سازمان ملل نیز دولت الکترونیک را این‌گونه تعریف می‌کند: «استفاده کردن از اینترنت و شبکه گسترده جهانی برای انتقال اطلاعات و خدمات دولت به شهروندان» (تولائی و همکاران، ۱۳۸۷).

هدف دولت الکترونیک، در دسترس قرار دادن بیشتر خدمات دولتی، متمرکز ساختن بیشتر این خدمات بر مصرف‌کننده، مرتبط‌تر ساختن آنها بر شهروندان و پاسخگوتر ساختن نسبت به نیازهای آنها است. دولت الکترونیکی یکی از مهمترین عوامل توسعه و پیشرفت سازمان در ارائه خدمات است و منافع آن نه تنها نصیب خود سازمان، بلکه شامل حال شهروندان، بخش خصوصی و کارکنان نیز می‌شود. بر همین اساس می‌توان گفت که دولت الکترونیک یک سیستم اقتصادی-اجتماعی بوده و حلقه زنجیره‌وار میان دولت، شهروندان و کسب و کار محسوب می‌شود. به همین بهانه می‌تواند دلیل قانع‌کننده‌ای برای حرکت سازمان‌ها به سمت الکترونیکی شدن باشد.

وضعیت دولت الکترونیک در ایران: تازه‌ترین گزارش سازمان ملل (۲۰۱۴) در زمینه دولت الکترونیک نشان‌دهنده جایگاه ۱۰۵ ایران در بین ۱۹۳ کشور جهان است. این جایگاه پنج رتبه پایین‌تر از سال ۲۰۱۲ و سه رتبه کمتر از سال ۲۰۱۰ است. این گزارش نشان‌دهنده روند ثابت و نزولی شاخص‌های خدمات آنلاین و سرمایه انسانی در کشور طی چهار سال اخیر است. این گزارش همچنین نمایانگر پیشرفت سریع کشورهای در حال توسعه در استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای ارائه خدمات دولت الکترونیک است؛ هرچند همچنان شکاف بزرگی بین کشورهای پیشرو در این عرصه و دیگر کشورها به چشم می‌خورد. از میان ۱۹۳ کشور مورد بررسی تنها ۲۵ کشور دارای شاخص توسعه الکترونیک بسیار بالا بوده‌اند که ۶۴ درصد آنها مربوط به اروپا، ۲۰ درصد متعلق به آسیا و ۸ درصد متعلق به آمریکا و ۸ درصد نیز متعلق به اقیانوسیه بوده‌اند. در میان این کشورها کره جنوبی همچنان رتبه اول پیمایش سال ۲۰۱۴ را به خود اختصاص داده و استرالیا و سنگاپور در رتبه‌های بعدی جا گرفته‌اند. این گزارش همچنین نشان‌دهنده اختلاف چشمگیر متوسط شاخص ۲۵ کشور پیشرو با سایر کشورها است. بر همین اساس در بسیاری از

کشورهای پیشرو خدمات دولت الکترونیک به میزان رو به رشدی از طریق ابزارهای موبایل ارائه می‌شود. ضمن اینکه محدودیت‌های زیرساختی در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات و سرمایه انسانی بزرگ‌ترین چالش کشورهای با شاخص پایین است. کشورهایی چون اتریش، بحرین، ژاپن، ایتالیا، اسپانیا، سوئد و آمریکا در جدول کشورهای شاخص بالای دولت الکترونیک (بالای ۷۵ درصد) قرار دارند و کشورهایی چون سومالی، زامبیا، نپال و افغانستان در رده‌بندی پایین (زیر ۲۵ درصد) قرار دارند. ایران در مجموع کشورها در کنار بخش عمده‌ای از کشورهای جهان در رده‌بندی متوسط (بین ۲۵ تا ۵۰ درصد) قرار گرفته و رتبه کشورمان از بین ۱۹۳ کشور ۱۰۵ است. کشور ما همچنین به لحاظ شاخص توسعه الکترونیک در بین ۴۷ کشور آسیایی رتبه ۳۰ را دارد که در این میان شاخص سرمایه انسانی ایران بالاتر از شاخص‌های ارائه خدمات آنلاین و زیرساخت‌های مخابراتی است. در این گزارش همچنین ایران و هند دو کشور اولی هستند که در بین کشورهای جنوب آسیا به ارائه خدمات آنلاین برای افراد محروم و آسیب‌پذیر می‌پردازند. این گزارش نشان می‌دهد که در رابطه با دولت الکترونیک، ایران در جهان و آسیا جایگاه مناسبی ندارد و جایگاه کنونی حتی با اهداف کلان توسعه‌ای کشور از جمله سند چشم‌انداز ۲۰ ساله نیز در مغایرت است (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۴).

اگرچه توسعه دولت الکترونیکی در ایران یکی از اصلی‌ترین محورهای سند تکفاز ۱ به حساب می‌آید اما این طرح در سال ۱۳۸۴ متوقف و به‌دنبال آن در اجرای دولت الکترونیک در کشور وقفه ایجاد شد. البته تبصره «۱۳» قانون بودجه سال ۸۵ نیز، دستگاه‌های اجرایی را به ایجاد سامانه‌های الکترونیکی ارائه کلیه خدمات دولتی مکلف کرد و پس از آن در سال ۱۳۸۶ شورای عالی فناوری اطلاعات، سند نظام جامع فناوری اطلاعات کشور را به تصویب رساند تا بار دیگر توسعه دولت الکترونیکی به‌عنوان یکی از محورهای اصلی مد نظر قرار گیرد. با وجود تمام اسناد راهبردی، ضمانتی برای عملیاتی کردن دولت الکترونیک در کشور به‌وجود نیامد و تدوین نقشه راه دولت الکترونیکی در دولت نهم و پس از آن در دولت دهم نیز کارساز واقع نشد. به این دلیل دولت الکترونیک تاکنون به معنای واقعی در کشور اجرا نشده و بسیاری از دستگاه‌های دولتی

خدمات خود را همچنان به صورت حضوری به مردم ارائه می‌کنند.

نظریه کنترل اجتماعی: در این پژوهش برای ساخت چارچوب نظری و مفهومی از نظریه کنترل استفاده شد. باتوجه به نظریه کنترل اجتماعی می‌توان سیاست‌های کنترلی را در دو دسته کلی مورد توجه قرار داد.

(۱) سیاست‌های پیشینی یا سیاست‌های کنترلی قبل از وقوع جرم، که می‌توان با عنوان سیاست‌های پیشگیرانه از آن یاد کرد.

(۲) سیاست‌های پسینی یا سیاست‌های کنترلی بعد از وقوع جرم که خود به دو دسته تقسیم می‌شود. بحث مربوط به دولت الکترونیک مربوط به قسم اول نظریه کنترل می‌شود. به عبارتی شکل‌گیری دولت الکترونیک مربوط به قلمرو سیاست‌های پیشگیرانه می‌شود که می‌توان از آن به‌عنوان یک سیاست پیشگیرانه کنترلی یاد کرد. در این نوشتار فقط به بخش اول سیاست‌ها یعنی پیشگیری از وقوع جرم یا فساد پرداخته شده است. دولت الکترونیک دولتی شفاف خواهد بود و این شفافیت به رشد قدرت کنترلی در ۲ بعد عمومی و سازمانی کمک خواهد کرد و در نتیجه افزایش قدرت کنترل، طبق نظریه یادشده، زمینه‌های شکل‌گیری فساد کاهش پیدا خواهد کرد. به عبارتی با افزایش شفافیت عملکرد سازمان که بر اثر الکترونیکی شدن فعالیت‌ها رخ می‌دهد قدرت نظارت مردم بر عملکرد سازمان افزایش می‌یابد و قدرت نقد و بررسی آنان را افزایش و در نتیجه امکان بروز رفتارهای غیر قانونی و فسادآفرین را از کارگزاران به حداقل خواهد رساند و به پاسخگویی آنان به مطالبات و سوالات افکار عمومی منجر خواهد شد که عاملی بازدارنده محسوب می‌شود. از سوی دیگر شکل‌گیری دولت الکترونیک و رشد شفافیت عملکردی سازمان، عمل نظارتی دستگاه‌های قانونی از جمله دفاتر بازرسی را ارتقاء می‌بخشد و قدرت نظارتی آنان را به شدت افزایش می‌دهد و در نتیجه، زمینه‌ها و فرصت‌های هرگونه رفتار فاسد و غیر قانونی را از عاملان می‌گیرد و درنهایت به رشد سلامت سازمانی منجر می‌شود.

در محیط‌های اداری غیر شفاف و مبهم، امکان مفاسد اداری افزایش می‌یابد و انجام رفتارهای فسادآلود تسهیل می‌شود. کارآمدترین و موثرترین شیوه‌های مبارزه با فساد اداری، خروج از

فضای تاریک و مبهم و شفاف سازی و روشن ساختن محیط و ساختار اداری است. «فناوری اطلاعات رویکرد جدیدی را در ایجاد شفافیت، افزایش پاسخ گوئی، صداقت و ترویج راهبرد ضد فساد به دولت‌ها پیشنهاد می‌دهد. دولت‌های بسیاری اجرای قوانین شفاف را با استفاده از ابتکارات مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات یعنی از طریق دولت الکترونیک انجام می‌دهند (رلی و سابهاروال^۱، ۲۰۰۹).

به کارگیری فناوری اطلاعات در دولت در قالب دولت الکترونیک احتمال پیدا کردن خطا را به وسیله نگهداری جزئیات داده‌های تراکنش شده در سیستم‌های با منبع باز، افزایش داده و امکان دنبال کردن فعالیت و کشف فساد حاصل از فعالیت‌های نادرست را فراهم می‌کند. «فناوری اطلاعات می‌تواند از طریق ارتقاء حکومت خوب و تقویت طرح‌های اصلاح‌گرا، کاهش بالقوه رفتارهای فاسد، بهبود روابط بین کارکنان، دولت و شهروندان، افزایش پاسخ‌گوئی مقامات دولتی، امکان پیگیری شهروندان نسبت به فعالیت‌های دولت و همچنین نظارت و کنترل بهتر رفتار کارکنان، فساد اداری را کاهش دهد» (شیم و جم^۲، ۲۰۰۸). در نتیجه طبق نظریه کنترل اجتماعی، استقرار سیستم دولت الکترونیک به افزایش قدرت کنترل و نظارت عمومی و قانونی بر عملکرد سازمان و در نهایت به کاهش زمینه‌های فساد اداری و افزایش سلامت اداری منتهی می‌شود.

نظریه پیشگیری: براساس این نظریه یکی از راهکارهای مبارزه با فساد و ارتقاء سطح سلامت اداری بکارگیری سیاست‌های پیشگیرانه است. سیاست‌های پیشگیرانه انواع مختلفی دارد که یک نوع آن پیشگیری وضعی است که ارتباط تنگاتنگی با دولت الکترونیک دارد. در بین سیاست‌های پیشگیرانه، پیشگیری وضعی جزو کارآمدترین سیاست‌ها در مبارزه با فساد اداری است. «در پیشگیری وضعی، اقدامات پیشگیرانه متوجه وضعیت‌ها و موقعیت‌هایی می‌شود که وقوع جرم را تسهیل می‌کند و سعی دارد تا با دشوار کردن و بالابردن هزینه‌های ارتکاب جرم از وقوع جرم ممانعت کند» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۱-۱۳۸۲). پیشگیری وضعی را «اقدام پیشگیرانه معطوف به اوضاع و احوالی که جرائم ممکن است در آن وضع به وقوع بپیوندد» تعریف کرده‌اند و هدف آن

1. Rely and Sabharwal

2. Shim and Gem

بکارگیری شیوه‌هایی است که بهای ارتکاب عمل مجرمانه را برای مرتکب بیش از سود حاصل از آن کند (معظمی، ۱۳۸۶).

این نوع پیشگیری که به صورت علمی در دهه ۱۹۸۰ در انگلستان مطرح شد با توجه به شرایط بزهکار، نوع جرایم، اهداف و موضوعات جرم و خصوصیات بزه‌دیده، اقداماتی را به اجرا می‌گذارد که فرآیند آنها از بین رفتن و یا تضعیف موقعیت‌ها و فرصت‌های ارتکاب جرم خواهد شد. در پیشگیری وضعی اقدامات پیشگیرانه از جرم، معطوف به اشکال خاصی از جرایم است که از طریق اعمال مدیریت و مداخله در محیط، کاهش فرصت‌های جرم و افزایش هزینه‌های ارتکاب بزه، با بزهکاری مقابله می‌کند. به عبارتی «پیشگیری یا جلوگیری کردن، به معنای پیشدستی کردن، پیشی گرفتن و به جلوی چیزی رفتن و هم به معنی آگاه کردن، خبر چیزی را رساندن و هشدار دادن است و در جرم‌شناسی، کاربرد فنون مختلف به منظور جلوگیری از وقوع بزهکاری است» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۹). پیشگیری از جرم با دیدگاه جامع، یکی از شاخه‌های جرم‌شناسی کاربردی است و عبارت است از تعیین مؤثرترین وسایل و راه‌ها برای تأمین پیشگیری از جرم و آسیب‌های اجتماعی، بدون توسل به وسایل ارباب کیفری. هر عملی که باعث کاهش بزهکاری، خشونت، ناامنی، از طریق مشخص کردن و حل کردن عوامل ایجادکننده این مشکلات به روش علمی شود، پیشگیری از جرم نامیده می‌شود (کی‌نیا، ۱۳۷۰).

نخستین تعریف پیشگیری وضعی، توسط کلارک صورت گرفت. در این تعریف، پیشگیری وضعی عبارت است از: «اقدامات معطوف به اشکال بسیار خاص جرم که متضمن مدیریت، طراحی یا دست‌کاری محیط به‌طور مستقیم، نظام‌مند و دائمی به‌منظور کاستن از فرصت‌های جرم است، به‌طوری که توسط بیشتر مجرمان ادراک و فهم شود» (پروین، ۱۳۸۰). «نایجل ساوت نیز آن را متکی بر اداره، طراحی و کنترل محیط فیزیکی می‌داند که فرصت‌های ارتکاب جرم را کاهش یا خطر پیگرد متهم را در صورت مؤثر واقع نشدن بازدارندگی، افزایش می‌دهد» (صفاری، ۱۳۸۰، ص ۸۳). در برنامه‌های پیشگیری وضعی، ابتدا موقعیت‌های دارای خطر بزهکاری و آماج‌های بالقوه شناسایی می‌شوند. پس از آن با اتخاذ فنونی سعی می‌شود تا از به فعلیت درآمدن این وضعیت بالقوه جلوگیری شود. (ابراهیمی، ۱۳۸۸، ص ۴۲). هدف این است که بهای عمل مجرمانه بیش از

سود حاصل از آن شود (کنسال^۱، ۲۰۰۳) تا براساس اصل حسابگری، افزایش هزینه‌ها و پایین آمدن سودها، از جذابیت رفتارهای کیفری کاسته و فرد را از ارتکاب جرم منصرف کند.

حسینی و فرهادی نژاد (۱۳۸۰) در تحقیقی باعنوان «بررسی فساد اداری و روش‌های کنترل آن» به بررسی موضوع فساد اداری پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان داد که موقعیت اقتصادی، فرهنگ، ویژگی‌های فردی و سازمانی و کیفیت و کمیت قوانین و مقررات به ترتیب به‌عنوان مهمترین عوامل در فساد اداری تأثیر دارند. همچنین نتایج این بررسی نشان داد که عوامل متعددی شامل افزایش حقوق بخش دولتی، وضع قوانین و مقررات موثر، مطبوعات، آگاهی عمومی نسبت به قوانین، اصلاح ساختار اداری، عدم سیاسی کردن و خصوصی‌سازی می‌تواند در کنترل و جلوگیری از فساد اداری موثر باشند. رستمی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای باعنوان بررسی علل بروز و روش‌های پیشگیری از فساد اداری معتقدند که فساد اداری با وجود تأثیرات مخربی که بر نظام اداری یک کشور وارد می‌سازد، می‌تواند عاملی مؤثر بر سر راه توسعه کشورها قرار گیرد؛ به همین منظور اکثر نظامات حقوقی راهکارهایی را برای پیشگیری از فساد و محدود کردن زمینه‌های بروز این پدیده نامطلوب پیش‌بینی کرده‌اند. در این پژوهش تلاش شده به‌صورت اجمالی زمینه‌های بروز فساد بررسی و پس از آن براساس یافته‌های به‌دست آمده راهکارهایی جهت کاهش و حتی پیشگیری از بروز فساد ارائه شود. فرخ‌سروش «عوامل مؤثر بر بروز فساد اداری به‌منظور ارائه الگویی جهت کاهش اثرات آن در روند توسعه جمهوری اسلامی ایران» را مورد بررسی قرار داد. با توجه به یافته‌های تحقیق عوامل مؤثر بر فساد اداری عبارت بودند از: دخالت‌های دولت در امور اقتصادی، وضعیت اقتصادی کارکنان دولت و جامعه، کاهش حساسیت جامعه نسبت به ترویج معیارهای اخلاقی، اصلاح و تغییر ناکافی قوانین مالیاتی، افراط در وضع قوانین و محدود کردن بخش خصوصی، پاسخگویی کم و ناکافی بخش دولتی، ارتباط مستقیم ارباب رجوع و کارمندان، روابط خویشاوندی کارکنان با ارباب رجوع، محدودیت‌های تجاری واردات کالا و یارانه‌های دولتی. داداشی (۱۳۹۰) در مقاله مبارزه با فساد اداری در ایران معتقد است براساس گزارش‌ها و مستندات داخلی و بین‌المللی، با وجود پنج دستگاه نظارتی سطح بالا در نظام، حساسیت مقام معظم

رهبری و دستگاه‌های مرتبط در ابلاغ و تدوین قوانین متعدد و دارای ابعاد مختلف حقوقی، در مبارزه با فساد اداری و تلاش برای استقرار و ارتقاء سلامت اداری چندان که باید موفق نبوده‌ایم. علت این موضوع را نمی‌توان به تنها یک یا چند مورد مرتبط دانست. در مقاله یادشده علل مختلف پیدایش فساد اداری، علل موفقیت ناکافی و درنهایت راه‌های مقابله با فساد بررسی شده و به این نتیجه رسیده است که در این مبحث مهم‌ترین نقش و جایگاه متعلق به سه عامل فرهنگ، عدالت و قانون است (داداشی، ۱۳۹۰). رهنورد و همکاران (۱۳۸۸) در تحقیقی با عنوان «شناسایی عوامل موثر بر فساد مالی در بین کارکنان دستگاه‌های اجرایی» به بررسی این مطلب پرداخته‌اند که بتوانند با در نظر گرفتن علل ریشه‌ای شکل‌گیری و تداوم پدیده فساد، راهکارهای مناسبی را برای رفع یا تقلیل آن ارائه کنند. این پژوهش از نوع توصیفی و اکتشافی است که از طریق طراحی پرسش‌نامه در دستگاه‌های اجرایی مورد سنجش قرار گرفت. تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد که پنج گروه عوامل اثرگذار بر فساد مالی عبارت‌اند از: قانون‌گریزی مدیران، پاسخگویی و نظارت ضعیف، ضعف سیستم عملکرد، بوروکراسی زائد و ناکارآمدی سیستم نگهداری.

روش پژوهش

در این مقاله از روش اسنادی برای تبیین راهکار دولت الکترونیک و نقش آن در پیشگیری از فساد استفاده شده است. به این منظور ادبیات موجود در این خصوص در بخش‌های فساد، پیشگیری از فساد و دولت الکترونیک ارائه و راهکارهای پیشگیری از فساد مبتنی بر توسعه خدمات دولت الکترونیک تبیین شد.

یافته‌های پژوهش

بخش مهمی از علل فساد را باید در درون سازمان‌ها جستجو کرد. ضعف‌های داخلی سازمان، باعث به‌هم‌ریختگی سازمان خواهد شد و سازمان را در رسیدن به اهداف پیش‌بینی شده دچار مشکل و خسران خواهد کرد. امروزه توجه به نیروی انسانی و بهره‌گیری از بروکراسی مدرن و کارآمد پیش شرط موفقیت هر سازمانی است. این دو مقوله مهم در عوامل داخلی سازمان دسته‌بندی می‌شوند.

یکی از کارآمدترین روش‌ها برای کاهش محسوس نرخ فساد سازمانی و پیشگیری از وقوع فساد در سازمان‌ها، تحقق و اجرائی کردن راهکار دولت الکترونیک در نظام اداری کشور است. دولت الکترونیک قابلیت پیشگیری از انواع فسادها در سازمان را دارد زیرا مهمترین بستر فساد در سازمان‌ها، شفاف نبودن فعالیت‌ها است و یکی از کارکردهای اصلی دولت الکترونیک ارتقاء سطح شفافیت عملکرد سازمان‌هاست.

استقرار نظام دولت الکترونیک به شفافیت فعالیت‌های اقتصادی منجر خواهد شد. انتشار اطلاعات مربوط به برگزاری مناقصه‌ها و مزایده‌ها بر روی پایگاه‌های اطلاع‌رسانی سازمان باعث می‌شود تا علاوه بر دسترسی عموم به این اطلاعات، امکان نظارت عمومی بر عملکرد دولت نیز پدید آید؛ این مسئله مهمترین عامل کاهش فساد اداری خواهد بود. دولت الکترونیک می‌تواند به سازمان‌ها در بهبود ارتباطات و تامین رضایت مردم، همچون ایجاد ارتباط دو طرفه بین مردم و مسئولان از راه‌های مختلف کمک کند. اطلاع‌رسانی و آگاه کردن مردم از مصوبات، مقررات و مجموعه وظایف و اختیارات سازمان و نیز مشارکت آنان در تصمیم‌سازی از طریق نظرسنجی الکترونیکی و ایجاد صندوق شکایات از طریق رایانامه، پاسخگویی سریع به خواسته‌ها و شکایات مردم، شیوه‌هایی است که دامنه ارتباطات مردمی را بیش از پیش گسترده و بهینه می‌کند. آزادی در اطلاع‌رسانی، شهروندان را از رویه‌های گوناگون مربوط به خدمات دولتی آگاه می‌سازد و از دامنه تلاش‌ها برای دور زدن سیستم یا مطرح کردن تمنیات گوناگون در ازای ارائه اطلاعات که به‌طور قانونی باید عمومی باشد می‌کاهد. دولت الکترونیک مستلزم پیش زمینه و تمهیداتی است که داشتن فناوری‌های پیشرفته اطلاعاتی و ارتباطی اساس آن بشمار می‌رود.

موانع تحقق دولت الکترونیک: یکپارچگی اطلاعات و سامانه‌های توزیع شده و به بیانی دیگر ارائه خدمات یکپارچه از ویژگی‌های دولت الکترونیکی محسوب می‌شود که این موضوع هنوز در ایران به‌طور کامل و رضایت‌بخش تحقق نیافته است. این درحالی است که براساس چشم‌انداز دولت الکترونیک در ایران در افق ۵ ساله برنامه پنجم توسعه کشور، توانمندسازی دستگاه‌های اجرایی برای عرضه موثر خدمات الکترونیکی دولتی به‌روشی امن، یکپارچه و آسان و از طریق کانال‌های الکترونیکی چندگانه تکلیف شده است. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان موانع استقرار

دولت الکترونیک در این سازمان‌ها را به شرح زیر برشمرد:

- عدم احساس نیاز به وجود دولت الکترونیک در بین برخی مدیران؛
 - ناتوانی در مرزبندی بین اطلاعات محرمانه و اطلاعاتی که باید در دسترس شهروندان و بنگاه‌های اقتصادی قرار گیرد؛
 - هزینه سنگین ایجاد، نگهداری و توسعه شبکه‌های اطلاع‌رسانی و پایگاه‌های اطلاعاتی؛
 - کمبود تخصص فناوری اطلاعات در سازمان؛
 - نبود یک برنامه واحد منسجم بلندمدت جهت اجرای ایده دولت الکترونیک؛
 - پیش‌بینی نشدن متولی مشخص برای دولت الکترونیک در سازمان‌ها؛
 - نبود شبکه ملی اطلاعات (دولت الکترونیکی در صورتی معنا پیدا می‌کند که بر روی شبکه ملی اطلاعات به صورت مستقل از دیگر شبکه‌ها پیاده‌سازی شود؛ اجرای این سرویس بر سلامت اداری، مبارزه با فساد اداری، افزایش قدرت پاسخگویی، مشارکت مردمی، شفافیت و انعطاف‌پذیری ساختار دولت و کاهش هزینه تاثیر داشته و باعث می‌شود تا اعتماد جامعه به نظام اداری کشور بیشتر شود).
- باتوجه به این‌که پیشگیری وضعی، بر موقعیت، وضعیت و فرصت تکیه دارد و از طریق حذف موقعیت‌های دارای خطر جرم، از آن جلوگیری می‌کند. به این منظور، از طریق اقدامات غیرکیفری در شرایط محیطی (موقعیت) و فردی (افراد مستعد بزه‌دیدگی)، دخالت کرده و با اصلاح و تغییر آن، فرصت ارتکاب جرم را از مجرم گرفته و بر تصمیم مجرم تأثیر می‌گذارد (خانعلی‌پور و اجارگاه، ۱۳۹۰، ص ۱۰). طبق این نظریه، سیستم دولت الکترونیک یک سیاست پیشگیرانه است که زمینه‌های فساد اداری را به شدت کاهش می‌دهد. بنابراین هرچه دولت به سمت الکترونیکی شدن پیش برود امکان و احتمال وقوع فساد سازمانی کاهش می‌یابد.

بحث و نتیجه‌گیری

تجربه‌های به دست آمده از کشورهای مختلف نشانگر آن است که فساد، امری پیچیده، پنهان و متنوع است و از این‌رو مبارزه با آن نیز باید مستمر، طولانی، منسجم و با برنامه‌ریزی دقیق و

همه‌جانبه همراه باشد و شفافیت باید در دستور کار دولت‌ها قرار گیرد. شفافیت، آشکار کردن قواعد، طرح‌ها، فرایندها و اقدامات است. شفافیت، دانستن چرا، چطور، چه و چقدر است. شفافیت تضمین می‌کند که مسئولان دولتی، کارمندان شهری، مدیران، هیئت‌مدیره‌ها و بازرگانان به صورت مشخص و قابل درک عمل می‌کنند و فعالیت‌های خود را گزارش می‌کنند و این بدان معناست که عموم مردم می‌توانند از آن‌ها توقع پاسخگویی داشته باشند. این مطمئن‌ترین راه حفاظت در برابر فساد است و به افزایش اعتماد به افراد و موسسات، کمک می‌کند. نگاه کنید که شفافیت چطور می‌تواند فساد را در بسیاری از زمینه‌ها به عقب براند. امروزه تغییرات وسیع و پیشرفت‌های خیره‌کننده در عرصه فناوری اطلاعات و ارتباطات، ضرورت تجدیدنظر در مسائل مختلف سازمانی را امری اجتناب‌ناپذیر کرده است. فناوری اطلاعات با روند رو به رشد و سرعت نوآوری‌ها قادر شده ماهیت کار سازمان‌ها را متحول کند و پیامدهای گوناگونی از جمله افزایش سرعت و دقت عمل، دستیابی به اطلاعات منظم، انعطاف‌پذیر شدن سازمان و پاسخ‌گویی سریع به شرایط بسیار متغیر و پویای محیطی را به دنبال داشته باشد و موجبات ایجاد تحولات وسیع در سازمان‌ها را فراهم کند. دولت الکترونیکی یکی از مهمترین عوامل توسعه و پیشرفت کشورها در ارائه و استفاده از خدمات الکترونیکی است و منافع آن نه تنها نصیب خود دولت، بلکه شامل حال شهروندان، بخش خصوصی و کارکنان دولت نیز می‌شود. بر همین اساس می‌توان گفت که دولت الکترونیک یک سیستم اقتصادی-اجتماعی بوده و حلقه زنجیره‌وار میان دولت، شهروندان و کسب و کار محسوب می‌شود. تأثیر قانون آزادی اطلاعات و حق دسترسی، بر پیشگیری از فساد اداری از پذیرش عمومی برخوردار است. به عبارتی یک سیستم سازمانی شفاف در کاهش زمینه‌های بروز فساد به مراتب توان‌تر است. همین بهانه می‌تواند دلیل قانع‌کننده‌ای برای حرکت دولت به سمت الکترونیکی شدن باشد که در این صورت هم دولت‌ها و هم شهروندان هر دو از این امر منتفع می‌شوند. این امر در عین حفظ استقلال دستگاه‌های حکومتی اعم از دستگاه قضائی، قانونگذار و قوه مجریه، افکار عمومی و نهادهای غیر دولتی را به نظارت بر فعالیت‌های قوای سه‌گانه قادر می‌سازد. استقرار نظام دولت الکترونیک به شفافیت فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی منجر خواهد شد. انتشار اطلاعات مربوط به برگزاری مناقصه‌ها و مزایده‌ها بر روی پایگاه‌های اطلاع‌رسانی سازمان باعث می‌شود تا

علاوه بر دسترسی عموم به این اطلاعات، امکان نظارت عمومی بر عملکرد دولت نیز پدید آید که این مسئله مهمترین عامل کاهش فساد اداری خواهد بود. از این رو جستجوی راه‌حلهایی برای کاهش فساد اداری با تکیه بر فناوری‌های نوین اطلاعاتی امری حیاتی است. دولت الکترونیک با استفاده از فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی و از طریق فراهم کردن شرایط یکسان برای دسترسی به خدمات، می‌تواند به اهدافی نظیر سرعت بخشیدن به بهبود فرایندهای ارائه خدمات به مشتریان، پاسخ‌گویی دولت به مردم، شفاف‌سازی اطلاعات، کاهش فاصله میان مردم و مسئولان و همچنین مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های عمومی و گسترش عدالت اجتماعی، دست یابد.

توسعه دولت الکترونیک یکی از راهکارهایی است که بسیاری از کشورها به‌منظور مبارزه با فساد در دنیای امروز بدان روی آورده‌اند و استفاده از فناوری‌های نوین به‌خصوص در بخش دولتی در کاهش فساد اداری و مالی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. نتیجه این مقاله این است که طراحی و ایجاد سیستم‌های الکترونیکی در سازمان‌های دولتی و غیردولتی جهت ارائه انواع خدمات به مشتریان و کاهش دخالت عوامل انسانی و ارتقاء امنیت و نظارت شبکه‌های ارتباطی مبتنی بر وب می‌تواند میزان فساد اداری را به میزان قابل توجهی کاهش و شفافیت و پاسخگویی دولت‌ها را در تعاملات تجاری و فعالیت‌های اقتصادی دستگاه‌های اجرایی افزایش دهد. در مبارزه با مقوله فساد اداری لازم است در گام اول قوانین و مقررات مالی، اداری و مانند آن، با دید پیشگیرانه و سپس با نگاه مبارزه‌مورد اصلاح و بازبینی قرار گرفته و فرآیندهای انجام امور به شکل جامع، شفاف و ساده تدوین، ابلاغ و پیگیری شود.

پیشنهادها: در راستای تحقق دولت الکترونیک در سازمان‌های مورد مطالعه می‌توان راهکارهای زیر را ارائه داد:

- ایجاد عزم جدی در بین مسئولان عالی سازمان و معرفی دقیق نقش فناوری اطلاعات در خصوص رابطه بین سازمان و شهروندان؛
- تدوین راهبرد برای اجرای طرح با مدیریت واحد؛
- تداوم اقدامات اساسی در راستای الکترونیکی کردن خدمات دولت به‌خصوص از طریق حمایت‌های مالی؛

- آسیب‌شناسی اقدامات صورت گرفته در راستای الکترونیکی کردن سازمان تاکنون؛
- کمک به افزایش سواد الکترونیکی مخاطبان سازمان‌ها از طریق اقدامات تبلیغی و آموزشی؛
- آموزش‌های مستمر به کارکنان برای بهره‌گیری از سیستم‌های الکترونیک و اجباری کردن آموزش آن؛
- اعمال سیاست‌های تشویقی برای بخش‌های پیشرو در زمینه بهره‌گیری از قابلیت‌های الکترونیکی؛
- ترغیب و سوق دادن مخاطبان و ارباب رجوع به استفاده از امکانات الکترونیکی ارائه خدمات؛
- تخصیص بودجه کافی به پروژه دولت الکترونیک در بودجه‌های سنواتی و برنامه‌های توسعه.

فهرست منابع

- ابراهیمی، شهرام. (۱۳۸۸). رویکردهای موسع و مضیق پیشگیری و آثار آن. آموزه‌های حقوقی: دانشگاه علوم اسلامی رضوی. شماره ۱۲.
- پروین، ستار. (۱۳۸۰). پیشگیری از جرم با تأکید بر پیشگیری اجتماعی از جرم. فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، سال سوم، شماره یک، صص ۱۳۷-۱۵۲.
- خبرگزاری مهر. (۱۳۹۴). وضعیت ایران در دولت الکترونیک. شناسه خبر: ۲۸۵۹۱۰۷
- صفاری، علی. (۱۳۸۰). مبانی نظری پیشگیری وضعی از وقوع جرم. مجله تحقیقات حقوقی: دانشگاه شهید بهشتی. شماره ۳۳ و ۳۴.
- عباسی شاهکوه، کلثوم، عبدالهی، علی و ثقفی، فاطمه. (۱۳۸۶). نقش دولت الکترونیک در کاهش فساد اداری در ایران. چهارمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت فناوری اطلاعات و ارتباطات.
- عباس‌زادگان، سیدمحمد. (۱۳۸۳). فساد اداری. چاپ اول. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- کی‌نیا، مهدی. (۱۳۷۰). مبانی جرم‌شناسی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- نجفی ایرندآبادی، علی حسین. (۱۳۷۹). میزگرد پلیس محلی. تهران: ماهنامه امنیت، وزارت کشور.
- معظمی، شهلا. (۱۳۸۶). پیشگیری جرم‌شناختی. فصلنامه پژوهشی تحلیلی و آموزشی مجد (حقوقی). سال اول، شماره اول.
- تولایی، روح‌الله؛ اعظمی، امیرمهدی؛ شاه‌آبادی، محمد و خلیلی، جلیل. (۱۳۸۷). تأملی بر دولت الکترونیک و ابعاد تعامل شهروندان با آن. پنجمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت فناوری اطلاعات و ارتباطات.
- صفری، حسین و همکاران. (۱۳۸۲). مدل بلوغ دولت الکترونیک وزارت بازرگانی ایران. فصلنامه دانش مدیریت، شماره ۶۳ داداشی، علیرضا. (۱۳۹۰). مبارزه با فساد اداری در ایران: اقدامات انجام شده و چند راهکار پیشنهادی. راهبرد توسعه. شماره ۲۷ صص ۲۰۸ تا ۲۲۰.
- Adam, M. S. (1989). Anatomy of Corruption: An Approach to the Political Economy of under Development. Ame. J. of Eco. and Soc. 48(4), pp 441-456.
- Amnuldson, I. (2000). Corruption: Definitions and Concepts, Chr. Michelson Institute Development Studies and Human Rights.
- Anderson, C. J. & Yuliya, V. T. (2003). Corruption, Political Allegiances and Attitudes Toward Government in Contemporary Democracies. American Journal of Political Science, 47(1), pp 91-109.

- Anti-Corruption Online (2003). Professional and Business Women against Corruption, October 20th.
- David, Ng. (2006). The Impact of Corruption on Financial Market. *Managerial Finance*, 32, pp 822-836.
- Independent Commission against Corruption. (1998). A Major Investigation into Corruption in the Former State Rail Authority of New South Wales, Independent Commission Against Corruption, Sydney.
- Kahana, N., & Liu Qijun, A. B. (2010). Endemic Corruption. *European Journal of Political Economy*, 26, pp 82-88.
- Mauro, P. (1995). Corruption and Growth. *Quarterly Journal of Economics*, 110, pp 681-712.
- Morris, S. & Klesner, J. (2010). Corruption and Trust: Theoretical Considerations and Evidence from Mexico. *Comparative Political Studies*, 43(10), pp 1258-1285.
- Rothstein, B. & Eek, D. (2009). Political Corruption and Social Trust: An Experimental Approach. *Rationality and Society*, 21(1), pp 81-112.
- Seligson, M. (2006). A Comparative Study of Four Latin American Countries. *The Journal of Politics*, 64(2), pp 408-433.
- UNDP. (2004). Anti-corruption practice note. http://www.undp.org/governance/docs/AC_PN_English.pdf.
- Gray W, C. & Kaufman. D. (1998). Corruption and Development. *Finance & Development*. 35(1), pp 7-10.
- Kensal, Hazel. (2003). Understanding the Community Management of High Risk Offenders. First Published. Berkshire: Open University press.
- Rely, J. E., and Sabharwal, M. (2009). perceptions of transparency of government policymaking a cross-national study. *Government Information Quarterly*, 26, pp 148-157.
- Shim, D. C., and Edom, T. H. (2008). E-government and Anti-corruption: Empirical Analysis of International Data. *International Journal of Public Administration*, 31(3), pp 298-316.